



یادداشت

برندگان و بازندگان جنگ زیر ساختها کیانند؟

صادق کار



پنجشنبه صبح قرارگاه خاتم الانبیا با انتشار یک اطلاعیه جنگی کوتاه و هشدارگونه‌ای آمریکا را تهدید به تلافی در صورت هدف قراردادن زیرساختهای اقتصادی ایران کرد. منظور از تلافی قرارگاه در واقع نه زیر ساختهای دور از دسترس ایران، بلکه زیرساخت های کشورهای حوزه خلیج فارس است که پایگاه های نظامی برای حمله در اختیار دولت آمریکا قرار داده‌اند. این هشدار قرارگاه خاتم پس از تهدیدات پشت سرهم ترامپ که ایران را به تخریب زیرساختهای کشور ما در صورت موافقت نکردن با پیشنهادات آمریکا منتشر شد، خبرگزاری نروژ علت حملات پنج روز را بهم زدن تفاهمنامه توسط ترامپ عنوان کرد و افزود چون این تفاهمنامه به نفع ایران است، ترامپ می خواهد آن را تغییر دهد.

پیداست آنکه در این میان ضرر اصلی را می برد ایران و همین دولتهایی کوچکی هستند که قادر به تعطیل کردن پایگاه های آمریکایی در کشورشان نیستند. در پایان این جنگ نیز در هر صورت این کشورها هستند که عملا خسارات نظامی و سویل وارد آمده به کشورشان را باید جبران نمایند و آمریکایی ها و اسرائیلی ها از این بابت سود کلان خواهد برد .

اما حمله به زیر ساختهای کشور ما مدتی است توسط آمریکا در حال اجرا است و هر روز که این جنگ جنایتکارانه امپریالیستی ادامه پیدا می کند بخشی از زیر ساختهای مختلف کشور راهزانه توسط رئیس جمهور قلدر و زورگوی ایالت متحده با سلاح هایی که در جنگ های دیگر بکار گرفته نشده منهدم می شوند. سرمایه داری هار و وحشی حاکم بر آمریکا در جنگ های غارتگرانه خود به هیچ معیار انسانی و بین بشری پایبند نیست و فعلا به هیچ کس حساب و کتاب پس نمی دهد و برای هر تجاوزی نیز بلد است بهانه درست کند. کوبا، ونزولا، عراق، افغانستان، هیچ کدام نه سلاح هسته‌ای تولید کرده‌اند و نه قصد از بین بردن اسرائیل را مطرح کرده‌اند. دانمارک و کانادا نیز ده‌ها سال است که متحدان نزدیک آمریکا و حامیان سیاستهای آمریکا بوده‌اند.

بله جهان اندک اندک در حرکت بسوی ایجاد جهانی چند قطبی بجای جهان همچنان تک قطبی در حال حرکت است، اما نظم جدید هنوز آنقدر که عده‌ای تصور می کنند مستقر نشده که بتواند مانعی جدی بر سر راه زورگویی آمریکا علیه ملت‌های کوچک و متوسط بوجود آورد. اما عده‌ای از هموطنان ما تصور می کنند



که پروسه قطبندی تکمیل شده است و گویا انتظار دارند با کمک آن دماغ بوفالو را به خاک برسانند. بهمین جهت دسته‌ای از آنان که چنین می‌اندیشند با سنگ اندازی بر سر راه مذاکره و صلح عملاً هیزم کش‌تنور جنگی شده‌اند، که پیشبرنده آن امریکا است که کشور و مردم ایران را در کام خود می‌سوزاند.

معماران نشسته در پشت این هشدارها و تهدیدات نیز خود خوب می‌دانند که با چه کسانی طرف هستند. با بزرگترین قدرت نظامی جهان که بزرگترین زردخانه و مجتمع‌های تولید سلاح و بیشترین تعداد پایگاه‌های نظامی را در بیشتر کشورهای جهان در اختیار دارد. سرشاخ شدن با چنین هیولایی ولو اینکه بشود مدتی در مقابل آن مقاومت کرد و یا حتی به آن ضربات سخت فرود آورد، نتیجه‌اش کلنگی شدن ایران و کشت و کشتار مردم در ایران و منطقه است.

کوبیدن بر طبل جنگ از هر سو که به عواقب آن بیندیشیم به ضرر مردم و منافع کشور ماست. زدن ضربه متقابل به زیر ساختهای کشورهای همسایه در نهایت می‌تواند کینه و حس انتقامجویی عده‌ای از مردم را که نسبت به حاکمان کشورهای همسو با امریکا خشمگین هستند، ارضا کند. اما نه باعث امن ماندن زیر ساختهای کشور از تخریب توسط دشمنان متجاوز خواهد شد و نه خسارات وارده به کشور ما را جبران خواهد کرد. بهمین جهت عقل و خرد حکم می‌کند که ایران عاقبت اندیشانه عمل کند و با استفاده از نارضایتی‌های که دولت ترامپ با زورگویی‌ها و اقدامات خود در جهان بوجود آورده، میز مذاکره را جایگزین میدان جنگ نماید.

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم

ثبات در نااطمینانی حاد - بخش سوم

"استخدام و گرایشهای اجتماعی" در سال ۲۰۲۶

سازمان بین‌المللی کار





تأثیر اختلالات و تغییر الگوهای تجارت بر اشتغال

اختلالات اخیر ناشی از نااطمینانی در تجارت، همراه با دگرگونیهای بلندمدت و مداوم در تجارت جهانی، می‌توانند تأثیر چشمگیری بر بازار کار بگذارند. بر اساس مدل سازی سازمان بین المللی کار (ILO)، افزایش متوسط نااطمینانی در سیاستهای تجاری ممکن است بازده نیروی کار را کاهش دهد و در نتیجه، دستمزد واقعی کارگران ماهر و غیرماهر را در همه بخشهای اقتصادی پائین بیاورد. برآوردها نشان می‌دهند که بیشترین کاهش درآمد در مناطقی رخ می‌دهد که بیشترین پیوند را با زنجیره های تأمین جهانی دارند: تا 0.45 درصد در آسیای جنوب شرقی و تا 0.3 درصد در اروپا و آسیای جنوبی.

توانایی تجارت برای ایجاد فرصتهای شغلی جدید نیز تحت تأثیر این اختلالات قرار گرفته است. در سال 2024، در 80 کشور و سرزمین جهان، حدود 465 میلیون شغل به تقاضای خارجی از طریق صادرات کالاها، خدمات و زنجیره های تأمین مرتبط با آنها وابسته بودند. بیش از نیمی از این مشاغل، یعنی 278 میلیون شغل، در منطقه آسیا و اقیانوسیه قرار داشت و پس از آن اروپا و آسیای مرکزی با 96 میلیون شغل در رتبه بعدی قرار داشتند. روند اشتغال وابسته به تجارت بازتابی از روند تجارت جهانی است. این اشتغال در دوران همه گیری کووید-19 کاهش یافت، سپس دوباره افزایش پیدا کرد و در مجموع در سطحی نسبتاً باثبات باقی ماند، چنان که در سال 2024 حدود 15.3 درصد از کل اشتغال جهان را تشکیل می‌داد.

تجارت می‌تواند نقش مهمی در گسترش کار شایسته، به ویژه در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط، ایفا کند. بخشهایی که سهم بیشتری از اشتغال وابسته به تجارت دارند، در مقایسه با بخشهایی که وابستگی کمتری به تقاضای خارجی دارند، معمولاً نرخ پائینتری از اشتغال غیررسمی، دستمزدهای بالاتر و فرصتهای شغلی بیشتری برای زنان و جوانان فراهم می‌کنند. اما کند شدن رشد تجارت و متوقف شدن روند تعمیق زنجیره های تأمین جهانی، سرعت جابجایی نیروی کار به بخشهای دیگر را کاهش می‌دهد و در نتیجه، روند بهبود شاخصهای کار شایسته در جهان نیز آهسته تر می‌شود.

در میان همه بخشهای وابسته به تجارت، سهم اشتغال در خدمات بازار با سرعت زیادی افزایش یافته و از 35.9 درصد در سال 1995 به 48.6 درصد در سال 2022 رسیده است. این روند با افزایش اهمیت خدمات در تجارت بین المللی همخوانی دارد؛ خدماتی که اکنون حدود یک چهارم تجارت بین المللی را تشکیل می‌دهند. یکی از سریع ترین بخشهای در حال رشد، تجارت خدماتی است که به صورت دیجیتالی ارائه می‌شوند. حجم این نوع تجارت در دهه گذشته بیش از دو برابر شده و در سال 2024 معادل 14.5 درصد از کل صادرات جهان را به خود اختصاص داده است.

با این حال استفاده از ظرفیت تجارت برای ایجاد مشاغل بیشتر و باکیفیتتر در همه کشورهای به یک اندازه امکانپذیر نبوده است. کشورهای کم درآمد هنوز تا حد زیادی از جریانهای تجارت و سرمایه گذاری فرامرزی کنار مانده اند و با بازاریابی زنجیره های تأمین جهانی، خطر عقب ماندن آنها بیشتر شده است. سهم تجارت و سرمایه گذاری میان کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط از 6 درصد در سال 2005 به 14 درصد در سال 2024 افزایش یافته است. با وجود این، سهم اشتغال وابسته به تجارت که از تجارت درون منطقه ای ناشی



می‌شود، تنها حدود ۵ درصد در آفریقا و کشورهای عربی و ۹.۵ درصد در آمریکای جنوبی بوده است. این سهم در مناطق متشکل از کشورهای پردرآمد بسیار بیشتر است: ۴۷.۱ درصد در کانادا، مکزیک و ایالات متحده و ۵۷.۴ درصد در اروپا و آسیای مرکزی.

۵. ضرورت رشد اقتصادی سریعتر و نهادهای قویتر برای کاهش کمبودهای کار شایسته

با وجود آن که نرخ بیکاری جهانی در شرایط نااطمینانی اقتصادی ثبات نسبی نشان داده است، اما جهان کاستن قابل اعتنا از کمبودهای کار شایسته توفیقی نداشته است. با توجه به تغییرات جمعیتی در بازارهای کار جهان، انتظار می‌رود پس از سالها بهبود، این کمبودها دوباره افزایش پیدا کنند. در عین حال، گسترش استفاده از هوش مصنوعی، نااطمینانی در سیاستهای تجاری، پایین بودن سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رکود رشد تجارت، بهبود شرایط کار از طریق گسترش اشتغال در بخشهای وابسته به تجارت را دشوارتر کرده اند. در دوره ای که رشد اقتصاد جهانی کند است و کمکهای رسمی توسعه ای نیز کاهش یافته اند، کشورها ناچار خواهند بود بیش از گذشته برای گسترش کار شایسته به سیاستهای داخلی و عوامل محرک تحول اقتصادی خود تکیه کنند.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات زندگی تشکیل دهیم!

تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم - بخش هفتم

بهروز فدایی



آیا قدرت جهانی چین به رفاه مردم انجامیده است؟



رشد اقتصادی چین طی چهار دهه گذشته صدها میلیون نفر را از فقر خارج کرده و زیرساخت‌هایی عظیم در حوزه حمل‌ونقل، انرژی، آموزش و بهداشت ایجاد کرده است. امید به زندگی افزایش یافته، نرخ باسوادی به شکل چشمگیری رشد کرده و سطح زندگی بخش بزرگی از جمعیت نسبت به دهه ۱۹۸۰ بهبود یافته است.

با این حال، توزیع این دستاوردها یکسان نبوده است. شکاف درآمدی میان شهر و روستا، اختلاف سطح توسعه میان استان‌های ساحلی و مناطق داخلی، افزایش قیمت مسکن و فشار اقتصادی بر جوانان از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی چین امروز به شمار می‌روند.

چین و نظم جهانی جدید

فروپاشی شوروی نه تنها بر سیاست داخلی چین اثر گذاشت، بلکه جایگاه بین‌المللی این کشور را نیز تغییر داد. در شرایطی که آمریکا به تنها ابرقدرت جهان تبدیل شده بود، چین ترجیح داد تا سال‌ها از رویارویی مستقیم با واشنگتن پرهیز کند و بر توسعه اقتصادی تمرکز نماید.

پیوستن به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، جذب سرمایه خارجی، تبدیل شدن به کارخانه جهان و توسعه فناوری‌های پیشرفته، چین را به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل کرد. امروز این کشور در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های نو، خودروهای برقی، هوش مصنوعی، تجارت الکترونیک و زیرساخت‌های دیجیتال از بازیگران اصلی اقتصاد جهانی است.

تأثیر متقابل چین و جهان

اگر در دهه ۱۹۹۰ چین بیش از آنکه بر جهان اثر بگذارد، از تحولات جهانی تأثیر می‌پذیرفت، در دو دهه اخیر این رابطه تا حد زیادی معکوس شده است. ابتکار «کمربند و جاده»، سرمایه‌گذاری گسترده در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، افزایش نقش یوان در مبادلات مالی، گسترش نفوذ شرکت‌های فناوری چینی و حضور فعال در نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که چین امروز نه تنها بازیگری تأثیرپذیر، بلکه یکی از شکل‌دهندگان اصلی روندهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهان است.

در مقابل، رقابت راهبردی با ایالات متحده، محدودیت‌های تجاری، تحریم‌های فناوری، تنش بر سر تایوان و تلاش کشورهای غربی برای کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین چین، نشان می‌دهد که صعود این کشور با چالش‌های فزاینده‌ای نیز همراه شده است.

سمت و سوی این روند

سه دهه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، چین الگویی متفاوت از توسعه را به نمایش گذاشته است؛ الگویی که در آن اصلاحات اقتصادی گسترده با حفظ انحصار سیاسی حزب کمونیست همراه بوده است. این راهبرد توانست از تکرار تجربه شوروی جلوگیری کند و چین را به یکی از مهم‌ترین قدرت‌های اقتصادی و فناوری جهان تبدیل سازد. اما این موفقیت، هزینه‌ها و تناقض‌های خود را نیز داشته است؛ از یک سو صدها میلیون نفر از فقر خارج شدند و طبقه متوسطی عظیم شکل گرفت، و از سوی دیگر نابرابری، تمرکز ثروت،



محدودیت‌های سیاسی و فشارهای ناشی از رقابت جهانی به چالش‌های پایدار این مدل توسعه تبدیل شده‌اند. چین امروز دیگر صرفاً کشوری نیست که از تحولات بین‌المللی تأثیر بپذیرد؛ بلکه خود یکی از مهم‌ترین نیروهای شکل‌دهنده نظم اقتصادی و ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم به شمار می‌رود.

چین پس از فروپاشی شوروی؛ روایتی از کشوری که از شکست همسایه درس گرفت و نظم جهانی را دگرگون کرد

پکن، زمستان ۱۹۹۱. در حالی که در مسکو پرچم سرخ اتحاد جماهیر شوروی برای همیشه از فراز کرم‌لین پایین کشیده می‌شد، در ساختمان‌های رهبری حزب کمونیست چین نه جشنی برپا بود و نه احساس پیروزی. آنچه در پکن جریان داشت، نگرانی و تأمل بود. فروپاشی نخستین دولت سوسیالیستی جهان، برای رهبران چین نه شکست رقیبی قدیمی، بلکه هشدار دربار آینده خودشان بود. پرسش اصلی این نبود که «چرا شوروی سقوط کرد؟» بلکه این بود که «چگونه می‌توان مانع تکرار این سرنوشت در چین شد؟»

این پرسش، بیش از هر ایدئولوژی و شعار سیاسی، مسیر سه دهه بعدی چین را رقم زد.

از «برادر بزرگ» تا «سوسیال‌امپریالیست»

چین و اتحاد شوروی هر دو از دل انقلاب‌های کمونیستی زاده شدند، اما همسویی آنها عمر چندانی نداشت. از اوایل دهه ۱۹۶۰، اختلاف بر سر رهبری جنبش کمونیستی جهان، شیوه توسعه اقتصادی و تفسیر مارکسیسم به شکافی عمیق انجامید. مائو تسه‌تونگ، رهبری شوروی را به «تجدیدنظرطلبی» متهم کرد و اصطلاح «سوسیال‌امپریالیسم» را برای توصیف کشوری به کار برد که از نظر او در ظاهر سوسیالیست، اما در عمل قدرتی امپریالیستی بود. اختلافات به حدی رسید که دو کشور در سال ۱۹۶۹ در مرزهای مشترک خود وارد درگیری نظامی شدند.

با این پیشینه، فروپاشی شوروی می‌توانست برای پکن فرصتی برای اثبات حقانیت تاریخی خود باشد؛ اما چنین نشد. رهبران چین به‌خوبی می‌دانستند که تفاوت‌های ایدئولوژیک، مانع از آن نیست که ضعف‌های ساختاری مشابه، روزی گریبان آنان را نیز بگیرد.

کالبدشکافی یک فروپاشی

در سال‌های پس از ۱۹۹۱، دانشگاه‌ها، مراکز مطالعاتی و نهادهای حزبی چین ده‌ها پژوهش درباره دلایل فروپاشی شوروی منتشر کردند. جمع‌بندی آنها تقریباً روشن بود: شوروی نه صرفاً به دلیل ضعف اقتصادی، بلکه بر اثر هم‌زمانی چند بحران فروپاشید؛ رکود مزمن اقتصادی، اصلاحات سیاسی کنترل‌نشده، کاهش اقتدار حزب کمونیست، فساد اداری، نارضایتی اجتماعی، رشد ملی‌گرایی در جمهوری‌های مختلف و رقابت فرسایشی با غرب.



نتیجه‌ای که رهبران چین از این مطالعات گرفتند، ساده اما تعیین‌کننده بود: اقتصاد باید اصلاح شود، اما کنترل سیاسی نباید از دست حزب خارج شود.

این جمله، شاید مهم‌ترین تفاوت مسیر پکن و مسکو در سه دهه اخیر باشد.

نسخه چینی؛ بازار بدون دموکراسی لیبرال

دنگ شیائوپینگ سال‌ها پیش از فروپاشی شوروی اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده بود، اما پس از ۱۹۹۱ این اصلاحات با سرعت بیشتری ادامه یافت. چین به روی سرمایه خارجی گشوده شد، مناطق ویژه اقتصادی توسعه یافتند، صادرات به موتور رشد اقتصادی تبدیل شد و میلیون‌ها کارگر راهی کارخانه‌هایی شدند که کالاهای مورد نیاز جهان را تولید می‌کردند.

اما برخلاف روسیه پس از شوروی، چین خصوصی‌سازی افسارگسیخته را نپذیرفت. بانک‌ها، انرژی، راه‌آهن، مخابرات، صنایع نظامی و بسیاری از بخش‌های کلیدی همچنان زیر کنترل دولت باقی ماندند. حزب کمونیست اجازه داد بازار ثروت تولید کند، اما اجازه نداد بازار قدرت سیاسی را در اختیار بگیرد.

این ترکیب نامتعارف، یعنی اقتصاد مبتنی بر بازار در کنار حاکمیت تک‌حزبی، به یکی از مهم‌ترین تجربه‌های سیاسی و اقتصادی جهان تبدیل شد.

برندگان و بازندگان اصلاحات

رشد اقتصادی چین، که در بسیاری از سال‌ها به بیش از ۱۰ درصد رسید، یکی از بزرگ‌ترین جهش‌های توسعه در تاریخ معاصر را رقم زد. صدها میلیون نفر از فقر مطلق خارج شدند، شهرهای جدید ساخته شد، شبکه عظیم راه‌آهن سریع‌السیر ایجاد شد و چین به کارخانه جهان بدل گردید.

اما این تصویر، تنها نیمی از واقعیت است.

برای میلیون‌ها کارگر شاغل در بنگاه‌های دولتی، اصلاحات به معنای پایان امنیت شغلی بود. کارخانه‌هایی که دهه‌ها تضمین‌کننده اشتغال مادام‌العمر، مسکن، درمان و آموزش بودند، یا تعطیل شدند یا ساختارشکنی شدند. میلیون‌ها نفر ناچار شدند در بازاری رقابتی و بدون حمایت‌های گذشته، شغل جدید پیدا کنند.

در سوی دیگر، میلیون‌ها مهاجر روستایی وارد شهرها شدند و نیروی کار ارزان‌قیمتی را شکل دادند که رشد شتابان صنایع صادراتی را ممکن ساخت. این کارگران سهم بزرگی در معجزه اقتصادی چین داشتند، اما اغلب از بسیاری خدمات عمومی شهری، به دلیل نظام ثبت اقامت (هوکو)، محروم ماندند.



ظهور طبقه متوسط؛ ستون جدید اقتصاد چین

اگر دهه‌های نخست انقلاب چین با شعار برابری شناخته می‌شد، دهه‌های اخیر با ظهور طبقه متوسط تعریف می‌شود. خانواده‌هایی که زمانی درآمدشان تنها کفاف زندگی روزمره را می‌داد، اکنون صاحب خانه، خودرو، تحصیلات دانشگاهی و پس‌انداز شده‌اند. رشد مصرف داخلی، توسعه گردشگری، رونق فناوری و گسترش خدمات، همگی محصول گسترش همین طبقه بوده‌اند.

با این حال، این طبقه نیز امروز با نگرانی‌های تازه‌ای روبه‌رو است؛ افزایش قیمت مسکن، رقابت شدید در بازار کار، کاهش نرخ رشد اقتصادی، بیکاری فارغ‌التحصیلان و هزینه بالای آموزش و فرزندآوری، بخشی از دغدغه‌های نسل جدید چین را تشکیل می‌دهد.

ثروت؛ اما نه مستقل از قدرت

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اصلاحات، ظهور گروهی از میلیاردرها و کارآفرینان بود؛ پدیده‌ای که در دهه‌های نخست جمهوری خلق چین تقریباً وجود نداشت. شرکت‌های فناوری، تجارت الکترونیک، تولید صنعتی و بازارهای مالی، ثروت‌های عظیمی خلق کردند.

اما برخلاف بسیاری از اقتصادهای سرمایه‌داری، دولت چین هرگز اجازه نداد سرمایه خصوصی به نیرویی مستقل از حاکمیت تبدیل شود. برخورد با برخی غول‌های فناوری و اعمال محدودیت بر نفوذ اقتصادی آنان در سال‌های اخیر، نشان داد که در چین، حزب کمونیست همچنان مرجع نهایی قدرت باقی مانده است.

از بازیگری منفعل تا معمار نظم نوین

در دهه ۱۹۹۰، چین کشوری بود که می‌کوشید خود را با نظم جهانی شکل‌گرفته پس از جنگ سرد تطبیق دهد. اما در دهه سوم قرن بیست‌ویکم، این معادله تغییر کرده است.

امروز چین بزرگ‌ترین شریک تجاری ده‌ها کشور است، زنجیره‌های تأمین جهانی به تولیدات آن وابسته‌اند، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی آن از آسیا تا آفریقا و آمریکای لاتین گسترش یافته و شرکت‌های چینی در حوزه‌هایی مانند خودروهای برقی، انرژی‌های تجدیدپذیر، هوش مصنوعی، ارتباطات و فناوری دیجیتال به رقبای جدی شرکت‌های غربی تبدیل شده‌اند.



در همین حال، رقابت راهبردی میان پکن و واشنگتن، از تجارت و فناوری فراتر رفته و به حوزه‌های امنیتی، ژئوپلیتیکی و حتی نظم مالی بین‌المللی کشیده شده است. اگر در آغاز دهه ۱۹۹۰ جهان بر چین اثر می‌گذاشت، امروز چین نیز یکی از مهم‌ترین نیروهای اثرگذار بر جهان است.

چین؛ موفقیت یا الگوی ناتمام؟

پاسخ به این پرسش که آیا چین «موفق» بوده است، به زاویه نگاه بستگی دارد. اگر معیار، رشد اقتصادی، کاهش فقر، توسعه صنعتی و افزایش نفوذ جهانی باشد، چین یکی از موفق‌ترین تجربه‌های توسعه در تاریخ معاصر به شمار می‌رود. اما اگر معیار، آزادی‌های سیاسی، استقلال نهادهای مدنی، برابری فرصت‌ها یا کاهش شکاف‌های اجتماعی باشد، تصویر پیچیده‌تر می‌شود.

آنچه مسلم است این است که چین با درس گرفتن از فروپاشی شوروی، راهی متفاوت برگزید؛ راهی که در آن اصلاحات اقتصادی به جای اصلاحات سیاسی در اولویت قرار گرفت و حزب کمونیست، برخلاف همتای شوروی خود، بقای خویش را در سازگاری اقتصادی و تمرکز سیاسی جست‌وجو کرد.

اکنون، بیش از سه دهه پس از آن زمستان تاریخی، این کشور نه تنها از سرنوشت شوروی گریخته، بلکه خود به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده اقتصاد و سیاست جهانی بدل شده است. با این همه، آینده چین نیز همچنان با پرسش‌هایی اساسی گره خورده است: آیا می‌توان رشد اقتصادی را در جامعه‌ای سالخورده و با نرخ زاد و ولد پایین حفظ کرد؟ آیا شکاف‌های اجتماعی و تمرکز ثروت مهار خواهد شد؟ و آیا الگوی «بازار تحت فرمان حزب» در دهه‌های آینده نیز همان اندازه کارآمد خواهد ماند که در سه دهه گذشته بود؟

بهروز فدائی - هشتم جولای ۲۰۲۶

**از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت
حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!**

**تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه کارگران برای
توقف آن حمایت کنیم!**



گسترش اعتراضات در وسط جنگ نشانه سرریز شدن صبر و طاقت مردم است

صادق



در طول هفته جاری اعتراضات صنفی و اجتماعی که در هفته های بعد از آتش بس شروع شده بود به رغم سلطه فضای جنگی و اختناق و تبلیغات کم سابقه حکومتی رشد چشمگیری نمود و گروه های اجتماعی بویژه کارگران و مزد و حقوق بگیران در شهرهای مختلف که از لحاظ معیشتی سخت در مضیقه قرار دارند در چندین کارخانه و شرکت و اداره مبادرت به اعتصاب و اعتراضات متعددی نمودند.

از کارگران معدن و شهرداری تا استادان و کارکنان دانشگاه ها در اعتراضات حضور داشتند و مهمترین علت اعتراض همگی آنها وضعیت بد معیشتی بود. هیچکسدر هنگام جنگ رغبتی به اعتصاب و اعتراض ندارد، اما وقتی که در هنگام جنگ تعداد زیادی مجبور به اعتصاب می شوند، دلیلی غیر از ناچار بودن ندارد. مدتهاست کارگران سعی می کنند به صاحبان قدرت بفهمانند، امورات شان با حقوقی که به آنها می دهند نمی چرخد، اما به خرج مقامات و سرمایه داران شکم سیر نمی رود. در وسط جنگ مسابقه دیوانه واری برای ثروت اندوزی و غارت توسط سرمایه داران و مقامات فاسد حکومتی شروع شده که اخلاق و انسانیت ذره ای در آن دخالت ندارد. توانایی و قدرت تامین هزینه حداقل های زندگی برای اکثریت مردم از دست رفته و خیلی ها با فروش وسایل زندگی قابل ارزش شان تا همین جا دوام آورده اند. مقامات حکومتی انگار بکلی از یاد برده اند که تامین نیازهای زندگی مردم از وظایف دولت است و وزارتخانه ها در مقابل زندگی مردم مسئول هستند. ثروتها و درآمد های کشور روز به روز توسط باندهای مافیایی قدرت و ثروت بدون هیچ مانعی مقابل چشمان مردم به غارت برده می شود، اما بسیاری از مردم امکان مالی برای خرید دارو های مورد نیاز خود را ندارند. کار به جایی رسیده که کارفرمایان حتی آنهایی که کار و کسب شان در اثر جنگ بهتر شده، ماه هاست با رد نکردن حق بیمه کارگران کارگران و خانواده هایشان را حتی از دریافت دارو و درمان معاف کرده اند. سرکردگان باندهای قدرت مرتب ارقام مالی کلانی را که رقبای شان اختلاس می کنند افشا می کنند. رقم برخی از اختلاسها به ۱۳۷ میلیارد سر می زند، اما آب از آب تکان نمی خورد و دیناری از پولهای غارت شده به خزانه بر نمی گردد. مقامات ارشد مرتب مشغول فریب و به انحراف بردن افکار مردم هستند. انگار برای همین کار مسئولیت گرفته اند. فغان مردم به آسمان بلند است اما فریاد رسی نیست و همه ی دستگاه های حکومتی فقط کارشان شده سرکوب و مجازات حق طلبان و آزادیخواهان و حفاظت از اختلاسگران و غارتگران.

کارگران کارخانه های چوکا روز گذشته در اعتراض به تعویق چند ماهه در دستمزد و حق بیمه های خود، کارگران سپید پلاست چابهار، کارگران کارخانه تراورس و ماشین آلات کرج، کارگران شرکت زغالسنگ



کرمان، کارمندان دانشگاه‌های استانهای مختلف در تهران، کارکنان بخش نگهداری خط و ابنیه راه آهن کرج کارگران پتروآرمند لردگان، کارگران شهرداری چابهار، بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات و... اینها تنها گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری در همین هفته هستند. اخبار مربوط به خیلی از اعتراضات منتشر نمی‌شوند و بقیه نیز با سانسور منتشر می‌شوند.

فشار معیشتی در واقع داد همه را درآورده است. هزینه‌ها هر روزه بالا می‌رود، ارزش دستمزدها کم می‌شود، دولت و کارفرمایان از افزایش دستمزدها به رغم بحران معیشتی امتناع می‌نمایند و در همان حال دستمزدها و حق بیمه‌های کارگران خود را نمی‌پردازند.

اعتراضات اگر تا کنون حالت انفجاری بخود نگرفته به دلیل جنگ و نگرانی کارگران ا بابت سنواستفاده متجاوزان از نارضایتی‌های کارگران و مزد و حقوق بگیران است. این وضع موقتاً توانسته برای مدتی کوتاه دوام بیاورد.

اکنون فشار به حدی افزایش پیدا کرده که کارگران نمی‌توانند وضع را تحمل کنند. به همین جهت اگر به خواسته‌ها رسیدگی عاجل نشود، دستمزدها و حقوق‌های کارگران و کارمندان افزایش داده نشود و به موقع پرداخت نشود متوقف کردن اعتراضات با زور و سرکوب و فریب میسر نیست زیرا فشارها از حد تحمل خارج شده است.

با این اوصاف دولت و کارفرمایان همچنان با ادامه فشار به مزد و حقوق بگیران از رسیدگی به وضعیت غیر قابل تحمل آنها گویی برای کشاندن آنها بسوی شورش و قیام به اعمال ستمگرانه خود ادامه می‌دهند و معیشت مزدبگیران را ملعبه تصفیه حساب خود بر سر قدرت می‌کنند.

در این میان عده‌ای نیز که نگران روآمدن مطالبات معیشتی و دمکراتیک جامعه در روزهای پس از جنگ هستند، با دمیدن بر کوره جنگ و کوشش برای حفظ فضای جنگی و اختناق تلاش می‌کنند قدرت استبدادی و بساط غارتگرانه خود بر کشور را حفظ کنند. مردم صلح، رفاه و آزادی می‌خواهند و با مبارزه علیه تداوم جنگ، استبداد و سرکوب آنها را بدست خواهند آورد.

بر قرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!

بیمه و حقوق بیکاری برای همه ی کارگران!



روز، دوشنبه ۲۲ تیرماه، کارمندان دانشگاه‌های وزارت علوم سراسر کشور در اعتراض به وضعیت شغلی خود و پایین بودن دستمزد و بی‌عدالتی در پرداختی‌ها، به تهران آمدند و مقابل سازمان برنامه و بودجه کشور تجمع کردند.

در بخش‌هایی از بیانیه اعتراضی تجمع‌کنندگان آمده: جمع حاضر جدای از مشکلات عمیق معیشتی، اقتصادی، ناچیز بودن دستمزد، تورم سه رقمی، ضعف مدیریتی وزارت و دانشگاه‌ها و بی‌توجهی مسئولین امر به قشر کثیری در دانشگاه‌ها، به تبعیض، بی‌عدالتی و تعارض منافع تصمیم‌گیرندگان و مدیران دانشگاهی از سال‌های دور و خصوصا در این برهه دشوار و حساس کشور اعتراض دارند.



بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

در محکومیت تشدید صدور احکام زندان و تداوم فشار بر فعالان صنفی معلمان

در شرایطی که جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگو، مشارکت مدنی و توجه به مطالبات معیشتی و آموزشی نیازمند است، روند پرونده‌سازی، بازداشت و صدور احکام سنگین علیه فعالان صنفی معلمان همچنان ادامه دارد.

در تازه‌ترین موارد، شکرالله احمدی، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان همدان و کوکب بداغی، عضو انجمن صنفی فرهنگیان خوزستان، با احکام حبس مواجه شده‌اند؛ احکامی که در ادامه روند برخوردهای امنیتی با فعالیتهای صنفی و مسالمت‌آمیز معلمان صادر شده است.

این احکام در حالی صادر می‌شود که همچنان شماری از فعالان صنفی از جمله علی احمدی، معلم بازنشسته نورآباد ممسنی، با وجود شرایط نامناسب جسمانی از آزادی و دسترسی به درمان محروم است و جان‌محمد احمدی، رئیس انجمن صنفی معلمان نورآباد ممسنی، نیز در بازداشت به سر می‌برد. این موارد



نشان می‌دهد که فشار بر فعالان صنفی تنها به صدور احکام محدود نیست، بلکه بازداشت، محرومیت از حقوق قانونی و تداوم پرونده‌سازی همچنان ادامه دارد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بار دیگر تأکید می‌کند که پیگیری مطالبات معلمان، دفاع از آموزش عمومی، اعتراض به تبعیض و تلاش برای بهبود وضعیت معیشت و کیفیت آموزش، حقی قانونی و مشروع است و نباید با برخوردهای امنیتی، پرونده‌سازی و مجازات‌های کیفری پاسخ داده شود.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که فشار بر فعالان صنفی نه مشکلات آموزش و پرورش را حل کرده و نه مطالبات انباشته فرهنگیان را از میان برده است. برعکس، استمرار این رویکرد تنها به گسترش بی‌اعتمادی، تضعیف گفت‌وگوی اجتماعی و عمیق‌تر شدن بحران‌های نظام آموزشی منجر شده است.

شورای هماهنگی ضمن محکوم کردن صدور احکام حبس علیه شکرالله احمدی، رضا مسلمی و کوکب بداغی، خواستار لغو این احکام، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط جان‌محمد احمدی، پایان بازداشت و رسیدگی فوری به وضعیت درمانی علی احمدی، آزادی همه معلمان زندانی و پایان دادن به پرونده‌سازی و برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی است.

ما بر حق معلمان برای تشکلیابی مستقل، فعالیت صنفی، آزادی بیان، پیگیری مطالبات قانونی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش تأکید می‌کنیم و باور داریم که احترام به این حقوق، لازمه بهبود نظام آموزشی و تقویت سرمایه اجتماعی کشور است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ۲۳ تیرماه ۱۴۰۵



جمعی از کارمندان دانشگاه‌های سراسر کشور، امروز دوشنبه، ۲۹ تیرماه، مقابل ساختمان وزارت علوم در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از کارمندان دانشگاه‌های سراسر کشور، امروز دوشنبه، ۲۹ تیرماه، مقابل ساختمان وزارت علوم در اعتراض به وضعیت شغلی و معیشتی خود تجمع کردند.

آنها در جریان این تجمع بیانیه‌ای صادر کردند. بخشی از این بیانیه به شرح زیر است:

"جمع حاضر ضمن ادای احترام به تمامی مسئولین زحمتکش و دلسوز کشور و همچنین رزمندگان این خاک مقدس، قویا اعلام می‌دارد که با تمام وجود پاسدار خون شهیدان و ذره ذره خاک ایران عزیز است و تنها به ساختار نادرست اداری و روال غلط مدیریت تک محوری وزارت علوم و دانشگاه‌ها، تعارض منافع موجود و



نادیده گرفته شدن کارمندان مظلوم از دهه های پیش تا کنون منتقد و خواستار پاسخگویی مسئولین ذیربط می باشد .

ماه گذشته وزیر محترم علوم در مراسم بزرگداشت اساتید نمونه کشور اعلام کرد که : «دانشجو باید انتقاد کردن و تفکر انتقادی را در دانشگاه بیاموزد» که نکته ای بس ظریف و ارزشمند است.

جناب آقای دکتر سیمایی صراف، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری شورای صنفی کارمندان دانشگاه ها و مراکز وابسته به وزارت محترم، نزدیک به یکسال است که درخواست جلسه ای با حضرتعالی و معاونین محترم دارد و با وجود مکاتبات و مراجعات مکرر، متأسفانه تا امروز بی پاسخ مانده است .

در حاشیه اعتراضات اخیر کارمندان دانشگاه ها در برخی از دانشگاه های کشور رفتارهای ناشایست و به دور از شان یک محیط آکادمیک با همکاران ما صورت گرفته است، گاهی اندک همکاران ما که دارای مسئولیتی بوده اند، کنار گذاشته شده و بجای آنان از اعضای هیئت علمی جایگزین شده است، در برخی از دانشگاه ها از ورود نمایندگان مجلس به جلسات صنفی کارمندان ممانعت شده و در برخی دیگر از تشکیل شورای صنفی کارمندان و یا اجازه انتخابات مجدد سر باز می زنند. در موارد قابل توجهی کارمند دانشگاه جهت یک اعتراض و انتقاد ساده تهدید و توبیخ شده است!

پیرو پیگیری های مستمر و بیانیه های پیشین در خصوص احقاق حق کارکنان، ضمن امیدواری به تحقق وعده های مسئولین محترم سازمان اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه جهت تصویب آیین نامه ۱۴۰۴ و برقراری فوق العاده ویژه، بدین وسیله تسریع در افزایش «عدد مبنا» و «ضریب مدرک تحصیلی» کارکنان، هم تراز با افزایش اعمال شده برای اعضای محترم هیئت علمی و از محل همان ردیف بودجه که متعلق به همه پرسنل دانشگاه ها می باشد، با قید فوریت مورد مطالبه است که این درخواست پیش تر به تأیید عالی ترین مقام وزارت در نشست دانشگاه گیلان رسیده و نیازمند درج در آیین نامه و اجراء است."



وضعیت کارگران ماهشهر بعد از حملات شب گذشته/ دستمزدهای معوق و اخراج کارگران در برخی واحدها

«ابراهیم پیرایش» دبیر اجرایی خانه کارگر بندر امام و ماهشهر، در تماس با خبرنگار ایلنا، در مورد حمله متجاوزانه شب گذشته آمریکا به این منطقه گفت: هیچ کدام از پتروشیمی ها و واحدهای صنعتی منطقه بندر امام و ماهشهر در دو مرحله حمله شب گذشته آسیب ندیدند .



او در ارتباط با وضعیت اشتغال کارگران این منطقه گفت: در حال حاضر واحدهای صنعتی فعالاند اما حسب مصوبه سازمان منطقه ویژه، ۳۰ درصد از کارگران بندرامام و ماهشهر سر کار حاضر می‌شوند.

پیرایش با تاکید بر اینکه «متأسفانه علیرغم وضعیت جنگی، قانون‌گریزی در برخی واحدهای صنعتی و پتروشیمی‌های منطقه رواج دارد» گفت: در برخی واحدها، کارگران حقوق‌های معوق دارند؛ بعضی شرکت‌ها نیز از وضعیت جنگی سوءاستفاده کردند و تعدیل انجام دادند؛ در واقع، علیرغم مصوبات فرادستی در مورد ممانعت از تعدیل کارگران و پرداخت به موقع حقوق، در برخی واحدها حقوق کارگران تضییع می‌شود و ظاهراً زور نهادهای نظارتی هم به این متخلفان نمی‌رسد.

دبیر اجرایی خانه کارگر بندر امام با تاکید بر اینکه «برخی شرکت‌ها فراقانونی عمل می‌کنند» از شرکت پتروناد زیرمجموعه شرکت پتروشیمی مارون به عنوان یکی از این متخلفان نام برد که به بهانه اتمام پروژه، تعداد قابل توجهی از کارگران خود را اخراج کرده است و تجمعات و اعتراضات کارگران برای بازگشت به کار نیز تا امروز به نتیجه نرسیده است. پیرایش تاکید کرد: نهادهای نظارتی باید با قدرت به میدان بیایند و اجازه ندهند حقوق کارگران در این شرایط جنگی به خصوص در صنایع نفت و گاز جنوب، پایمال شود.



نظام پیمانکاری در غول فولاد برچیده شد!

شعبه دوم دیوان عالی کره جنوبی درحکمی بی‌سابقه و سرنوشت‌ساز، نقطه‌ی پایانی بر یک دعوایحقوقی ۱۵ ساله گذاشت و شرکت فولادسازی «پوسکو (POSCO)» را ملزم کرد تا کارگران پیمانکاری خود را به استخدام مستقیم و رسمی درآورد. دیوان عالی با رد ساختار واسطه‌گری شرکت‌های پیمانکاری اعلام کرد زمانی که کارگران در خطوط تولید عملاً تحت نظارت، کنترل و دستور مستقیم کارفرمای اصلی فعالیت می‌کنند، استفاده از شرکت‌های واسطه برای پوشاندن رابطه واقعی کارفرما و کارگر، فاقد وجاهت قانونی است.

این حکم در گام نخست، وضعیت استخدامی بخش عمده‌ای از ۳۷۸ کارگر شاکی این پرونده را از «پیمانکاری» به «رسمی و مستقیم» تغییر می‌دهد.

مبنای اصلی این رأی دادگاه بر این اصل استوار است که وجود چند لایه واسطه نباید مانع برخورداری کارگران از حقوق قانونی‌شان شود. دیوان عالی در رویکردی گسترده‌تر، حتی وضعیت استخدامی ۱۸ کارگر شرکت «کام‌تک» را هم که پیمانکار یک شرکت پیمانکار دیگر بود به رسمیت شناخت تا تأکید کند تعدد لایه‌های واسطه، مسئولیت کارفرمای اصلی را سلب نمی‌کند. اگرچه این حکم چهار کارگر بخش بسته‌بندی شرکت «پوسکو ام‌تک» و برخی کارگران بازنشسته را به دلیل احراز استقلال فنی پیمانکار استثنا کرده است، اما



انتظار می‌رود مبنایی برای تعیین تکلیف پرونده‌های مشابه بیش از ۱۱۰۰ کارگر پیمانکار دیگر در دادگاه‌های سنول و گوانگجو باشد.

یکی از برجسته‌ترین ابعاد این پرونده، ورود فناوری به معیارهای سنجش حقوق کار و بستن راه‌های فرار مدرن کارفرمایان بود. شرکت پوسکو برای هدایت عملیات و ارسال دستور کار به نیروها از «سامانه اجرای تولید (MES)» استفاده می‌کرد تا مدعی شود نظارت مستقیمی بر کارگران ندارد؛ اما دیوان عالی صراحتاً اعلام کرد که مدیریت الگوریتمی و ارسال دستور از طریق سامانه‌های دیجیتال، مصداق بارز و مستند اعمال نظارت مستقیم کارفرمای اصلی است. این تصمیم شجاعانه راه فرار شرکت‌هایی را که پشت سپر اتوماسیون و هوشمندسازی پنهان می‌شوند تا از پذیرش مسئولیت‌های قانونی خود در قبال نیروی انسانی شانه خالی کنند، به‌طور کامل مسدود ساخت.

تحت فشار این مبارزات صنفی، مدیریت پوسکو فروردین‌ماه امسال از برنامه‌ای برای جذب مستقیم حدود ۷ هزار کارگر پیمانکاری خبر داده بود؛ اما اتحادیه فلزکاران کره جنوبی (KMWU) با هوشیاری در برابر این طرح یک‌جانبه ایستاد. علت مخالفت اتحادیه این بود که پوسکو قصد داشت کارگران جدید را با دستمزدی به‌مراتب کمتر از نیروهای رسمی قدیمی استخدام کرده و شکل جدیدی از تبعیض ساختاری را ایجاد کند، از این رو کارگران خواستار اصلاح کامل طرح و دستیابی به برابری حقوق و مزایا شدند.

با وجود آنکه صدور این رأی نگرانی‌هایی را در خصوص افزایش هزینه‌های نیروی انسانی و سربار مالی در صنعت فولاد کره جنوبی برانگیخته است، اما از منظر حقوق کار، گامی بنیادین در جهت تقویت امنیت شغلی و رسمیت بخشیدن به رابطه واقعی کارگر و کارفرما است. این پرونده نشان داد که کرامت انسانی و امنیت شغلی نیروی کار باید بر منافع مالی و دغدغه‌های کارفرمایان مقدم باشد؛ الگویی زنده و الهام‌بخش برای تمامی جوامعی که کارگران آن‌ها سال‌هاست از معضل شرکت‌های واسطه و پیمانکاری رنج می‌برند.



اعتراضات کارگری نتیجه داد/ برکناری مدیرعامل «چوکا» و وعده پرداخت مطالبات معوقه در پی تصمیم هیئت مدیره «هلدینگ سلولزی تأمین (تاسیکو)»، امیرعلی نصیری، مدیرعامل شرکت صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) از سمت خود برکنار شد. این تغییر مدیریتی در پی اعتراضات اخیر کارگران صورت گرفته است.

کارگران شرکت چوکا در تماس با ایلنا، ضمن اعلام این خبر با بیان اینکه مشکلات صنفی این واحد تولیدی از حدود شش ماه پیش همزمان با شروع به کار مدیرعامل سابق تشدید شده بود، اظهار داشتند که این دوره با بدهی‌های مالی گسترده به کارگران و برخی نهادهای دولتی و توقف فعالیت کارخانه همراه بوده است.



نمایندگان کارگری این واحد تولیدی، با انتقاد از عملکرد مدیر برکنار شده، مدعی شدند که در حالی که بر اساس مصوبه هیئت مدیره، سقف حقوق برای مدیرعامل کارخانه ۱۳۰ میلیون تومان تعیین شده بود، مدیرعامل برکنار شده ارقام غیرمعارفی در حدود ۲۰۰ میلیون تومان دریافت می‌کرده است؛ این در حالی است که اولویت‌بندی پرداخت‌ها به نفع مطالبات کارگران نادیده گرفته می‌شد.

بر اساس این گزارش، در پی تداوم اعتراضات و توقف فعالیت کارخانه، روز گذشته (شنبه ۲۷ تیر ماه) جلسه‌ای با حضور «محمد رحمانی» مدیرعامل هلدینگ سلولزی تأمین (تاسیکو) در نمازخانه کارخانه برگزار شد. در این جلسه ضمن اعلام برکناری مدیرعامل فعلی، وعده داده شد که مطالبات معوقه کارگران شامل ۵۰ درصد از حقوق فروردین و اردیبهشت به همراه کل حقوق خردادماه، طی چند روز آینده پرداخت شود.



تجمع اعتراضی استادان اخراجی دانشگاه فرهنگیان در اعتراض به اخراج‌های بی‌دلیل و قطع یک‌ساله حقوق مقابل وزارت آموزش و پرورش. مطالبات این معترضان عبارتند از:

بازگشت به کار فوری و بدون قید و شرط تمامی استادان اخراج‌شده دانشگاه فرهنگیان

پرداخت کامل معوقات مزدی و حقوق قطع‌شده یک سال گذشته
توقف برخوردهای سلیقه‌ای، امنیتی و غیرقانونی با کادر علمی دانشگاه‌ها

پاسخگویی مسئولان وزارت آموزش و پرورش و شفاف‌سازی دلایل اخراج‌ها





زندان اراک؛ تداوم محرومیت ابوالفضل خوران از درمان تخصصی

ابوالفضل خوران، فعال صنفی معلمان محبوس در زندان اراک، با وجود ابتلا به بیماری کلسنتاتوم و نیاز به عمل جراحی، همچنان از دسترسی به درمان تخصصی و اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان محروم است. مسئولان زندان تاکنون به درخواست تجمیع احکام او نیز رسیدگی نکرده‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران محروم کردن ابوالفضل خوران از حق دسترسی به درمان و بی‌توجهی به وضعیت پزشکی او را محکوم کرده و خواستار تأمین فوری و کامل خدمات درمانی تخصصی برای این فعال صنفی معلمان است

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomyterm/457>